

## ضرورت بصیرت افزایی عمومی در دفاع غیرعامل از منظر فقه امامیه

حمیده محیط آبادی<sup>۱</sup> ابوالحسن سلطانی<sup>۲</sup> حسین احمدی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

<sup>۲</sup> استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول) [abolhasansoltani01@gmail.com](mailto:abolhasansoltani01@gmail.com)

<sup>۳</sup> دانشیار گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

نویسنده مسئول: [abolhasansoltani01@gmail.com](mailto:abolhasansoltani01@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱

### چکیده

پدافند که هم‌تراز با واژه دفاع می‌باشد اقداماتیست جهت مقابله با حمله و تهاجم دشمن که شامل انواع و اقسام اقدامات دفاعی از جمله «پدافند غیرعامل: دفاع بدون سلاح» و «پدافند عامل: دفاع با سلاح» می‌باشد.

جایگاه معنوی و مادی جمهوری اسلامی ایران در معادلات منطقه ای و بین المللی باعث شده تا همواره مورد توجه و تهدیدهای بسیار از سوی قدرت های بزرگ باشد. وظیفه خطیر و حیاتی ما در دنیایی اینچنین پر چالش مملو از منازعات و مناقشات، مصون سازی کشور از طریق بالا بردن قدرت کشور در تمام زمینه های لازم است. مصداق بارز آیه شریفه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»، ما موظف هستیم که آمادگی های لازم را اعم از پدافند عامل و غیرعامل است را به منظور دستیابی به پیروزی، امنیت و صلح پایدار فراهم سازیم.

یکی از مهمترین و اصلی ترین سرمایه های یک کشور نیروی انسانی آن سرزمین است. به همین دلیل در عرصه نبرد جهان امروز بیشترین رویکرد منعطف به جنگ نرم و تهاجم فرهنگی است که روی باورهای عمومی همین سرمایه های مهم هدفگذاری میکند. مسلم است که برای دشمن جذب یک سرباز بیشتر آن هم از جبهه رو به رو بسیار کم هزینه تر و سودمندتر از کشتن و حذف او از میدان نبرد است. و میانبريست مطمئن و راحت برای رساندن او به هدفش که غلبه و شکست طرف مقابل است.

در این نوشتار برخی تهدیدات ناشی از جنگ نرم را که تأثیرات مستقیم بر افکار و رفتار مردم در جامعه اسلامی ایران دارد را مورد بررسی قرار داده و یکی از مهمترین راه های مقابله با آن را که بصیرت افزایی عمومی در سطح جامعه است را با بهره گیری از قواعد فقهی همچون قاعده مصلحت نظام که حفظ و حراست از کيان کشور اسلامی و مسلمین از هجوم دشمنان اسلام را واجب می‌داند و رهیافت های قرآنی چون آیه ۱۴۱ سوره نساء «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا: خداوند هرگز بر [زبان] مؤمنان برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است.» که مضمون آن اینچنین است که «کافران از هیچ نظر چه سیاسی و چه فرهنگی و اقتصادی بر افراد بایمانی که ملتزم به لوازم ایمانشان هستند چیره نخواهند شد چون این حکمت خداوند است. پس بدرستی هرگاه آن‌ها بر مسلمانان پیروز شده اند به این دلیل است که بسیاری از مسلمانان وظایف و رسالت‌های خویش را فراموش کرده‌اند. و یا به درستی انجام نداده‌اند.» مورد بررسی قرار دادیم.

**کلیدواژه:** پدافند غیرعامل، بصیرت، قرآن، فقه

### مقدمه

دشمنان قسم خورده جمهوری اسلامی ایران با وجود ناکامی های پی در پی خود هیچگاه دست از کینه ورزی و عداوت برنداشته و هدفی جز نابودی حاکمیت، استقلال، کيان و هویت ایرانی اسلامی را ندارند. جایگاه معنوی و مادی جمهوری اسلامی ایران در معادلات منطقه ای و بین المللی باعث شده تا همواره مورد توجه و تهدیدهای بسیار از سوی قدرت های بزرگ باشد. وظیفه خطیر و حیاتی ما در دنیایی اینچنین پر چالش مملو از منازعات و مناقشات، مصون سازی کشور از طریق بالا بردن قدرت کشور در تمام زمینه های لازم است. مصداق بارز قاعده نفی سبیل و آیه ی شریفه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»، ما موظف هستیم که آمادگی های لازم را اعم از پدافند عامل و غیرعامل است را به منظور دستیابی به پیروزی، امنیت و صلح پایدار فراهم سازیم. در جنگ سخت شکل تلفات جانی و مالی و از بین رفتن سرمایه های ملی قابل مشاهده است. برخلاف جنگ نرم، که عوارض آن عمدتاً با چشم قابل مشاهده نیست. و دشمن با ایجاد اختلاف و چند دستگی در میان ما و شبهات بسیار پیچیده در فضای جامعه، درصد نابودیمان است که این ضربه ای موثرتر و مهلک تر و عمیق تری در جامعه خواهد داشت. اینجاست که براساس قاعده مصلحت نظام ایجاب میکند با تمام توان و قوای موجود برای این مشکلات تدبیری اندیشه شود.

افراد بصیر هر چند ممکن است در این شرایط خاص در انواع شبهات بیفتند و در مسیر فتنه ها قرار گیرند ولی به محض بازشناسی و تمییز حق از باطل، مسیر خود را تغییر داده و در حمایت از حق، موضع می گیرند. و در این تلاطم و بحران های ایجاد شده به درستی ایفای نقش میکنند. با توجه به این موارد مسلم است که آحاد ملت بایستی نسبت به موضوع پدافند غیر عامل حساس باشند. و با بیان ضرورت ها و راهبردهای دینی در مساله امنیت و دفاع ملی و بکارگیری درست اصول پدافند غیر عامل خلاء های موجود در این زمینه ها را تا حد بسیار زیادی برطرف کنند. و بدیهی است که براساس آیه ۶۰ سوره انفال و قاعده نفی سبیل و قاعده ی مصلحت نظام که خود جلوه ای از بصیرت است می طلبد که تجهیزات پدافند غیر عامل در بروز حوادث پیش قدم باشد و قبل حادثه علاج آن بحران کند نه در حین حادثه و با بعد از وقوع آن، مساله فرهنگ سازی و بصیرت افزایی در میان عموم جامعه از نسل های متفاوت خود مانع ایجاد مفسده ی فریب عمومی و فتنه انگیزی و پیامدهای ناگوار بعد آن خواهد شد. و فتنه ها و شبهه های بسیار پیچیده تندبادگونه را که قرار است بنیان فرهنگ و اعتقاد و امنیت و اقتدار ما را در هم شکنند خنثی خواهد کرد. به نظر می رسد با توجه به اسلامی بودن جامعه ایرانی برای ایجاد عزم ملی و باور عمومی در مسئولین و مردم نسبت به رعایت و بکارگیری اصول پدافند غیرعامل و بصیرت افزایی عمومی فقه می تواند با بیان ادله شرعی و بیان نمونه های آن در قرآن و سیره نبوی تاثیر بسزایی داشته باشد.

### لزوم حفظ آمادگی در مقابل دشمن براساس آیه ۶۰ سوره انفال

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ ۗ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ.

(و شما ای مؤمنین برای مبارزه با آنها خود را مجهز و آماده کنید به آنچه در قدرت و توان خود دارید، از انواع قوه و از اسبان سواری و دونده که بدین وسیله دشمن خدا، و دشمن خودتان، و آن کسانی را که اینک شما آنها را دشمن نمی دانید ولی خدا دشمن می داند، در دهشت و وحشت اندازد! و آنچه را (از اموال و بدنها از عده و عده) در راه خدا انفاق کنید به سوی شما بطور وافی و کامل خواهد رسید، و شما مورد ستم و ظلم قرار نمی گیرید!

{توضیح مفردات این آیه شریفه و معنای آن و بیان اینکه خطاب در آن عام است و متوجه تمامی مسلمین می باشد.}

کلمه اعداد به معنای تهیه کردن چیزی است تا انسان با آن چیز به هدف دیگری که دارد برسد، که اگر قبلا آن را تهیه ندیده بود به مطلوب خود نمی رسید، مانند فراهم آوردن هیزم و کبریت برای تهیه آتش، و نیز مانند تهیه آتش برای طبخ. و کلمه قوه به معنای هر چیزی است که با وجودش کار معینی از کارها ممکن می گردد، و در جنگ به معنای هر چیزی است که جنگ و دفاع با آن امکان پذیر است، از قبیل انواع اسلحه و مردان جنگی با تجربه و دارای سوابق جنگی و تشکیلات نظامی. و کلمه رباط مبالغه در رباط است، و رباط همان عقد (گره) است، با این تفاوت که رباط سست تر از عقد و عقد محکم تر از رباط است و رباطه، رباطه، رباطه، رباطه، رباطه، رباطه، مرابطه و رباطا به یک معنا است، چیزی که هست رباط از رباط رساتر است. و کلمه خیل به معنای اسب است. و ارباب معنایش نزدیک به معنای تخویف می باشد.

این آیه شریفه امر عامی است به مؤمنین که در قبال کفار به قدر توانایشان از تدارکات جنگی که به آن احتیاج پیدا خواهند کرد تهیه کنند، به مقدار آنچه که کفار بالفعل دارند و آنچه که توانایی تهیه آن را دارند، چون مجتمع انسانی غیر از این نیست که از افراد و اقوامی دارای طبیعت و افکار مختلف تشکیل می یابد، و در این مجتمع هیچ اجتماعی بر اساس سنتی که حافظ منافعشان باشد اجتماع نمی کنند مگر اینکه اجتماع دیگری علیه منافعش و مخالف با سنتش تشکیل خواهد یافت، و دبری نمی باید که این دو اجتماع کارشان به اختلاف کشیده و سرانجام به نزاع و مبارزه علیه هم برمی خیزند، و هر یک در صدد برمی آید که آن دیگری را مغلوب کند.

پس با این حال مساله جنگ و جدال و اختلافاتی که منجر به جنگهای خسارت زای می شود امری است که در مجتمعات بشری گریزی از آن نبوده و خواه ناخواه پیش می آید، و اگر این امر قهری نبود انسان در خلقتش به قوایی که جز در مواقع دفاع بکار نمی رود از قبیل غضب و شدت و نیروی فکری، مجهز نمی شد. پس اینکه می بینیم انسان به چنین قوایی در بدن و در فکرش مجهز است خود دلیل بر این است که وقوع جنگ امری است اجتناب ناپذیر، و چون چنین است به حکم فطرت بر جامعه اسلامی واجب است که همیشه و در هر حال تا آنجا که می تواند و به همان مقداری که احتمال می دهد دشمنش

مجهز باشد مجتمع صالحش را مجهز کند. (ترجمه تفسیر المیزان نویسنده : علامه طباطبایی، جلد : ۹، صفحه ۱۵۱-۱۵۲)

این آیه شریفه برای تمام مکانها، زمانها، کشورها و ادوار تاریخ الهام بخش است؛ زیرا از اسلحه خاصی سخن نمی گوید که با گذشت زمان از رده خارج شود، بلکه تعبیر به «قوه» می کند، یعنی مسلمانان برای حفظ آمادگی خویش باید از هر سلاحی کمک بگیرند، در هر عصر و زمان باید مجهز به پیشرفته ترین سلاح های نظامی دنیا باشند، کلمه «قوه» حتی سلاح های دیگر، غیر از سلاح های جنگی، را هم شامل می شود؛ مثلاً، وسایل تبلیغاتی که نیرویی قوی برای نابودی دشمن بشمار می رود نیز مشمول «قوه» می باشد، همان گونه که این کلمه شامل امور اقتصادی، اخلاقی، اجتماعی نیز می شود و خلاصه، هر چیزی که در نبرد با دشمن کارساز باشد، و جلوی تجاوز دشمن را بگیرد، و در دفاع در برابر دشمن ما را یاری کند، مشمول آیه می باشد.

«تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ»- در این قسمت از آیه هدف از تهیه نیرو و سلاح های جنگی چنین بیان شده است:

هدف از این آمادگی، نابودی انسان‌ها و ویرانی جهان و قتل و غارت بیچارگان و محرومان نیست! بلکه هدف دفاع مشروع است. باید تمام نیروها و سلاح‌ها را در اختیار داشت تا دشمن جرأت حمله نکند، بلکه خیال حمله را نیز در سر نپروراند؛ چون ستمگران و ظالمان همیشه به کشورها و افراد ضعیف و ناتوان حمله می‌کنند و قوت و قدرت، عامل بازدارنده آن‌ها از تجاوز و جنگ است. بالا بردن توان نظامی برای اِرهاب و ترساندن دشمن است، هم دشمنان خداوند و هم دشمنان خودتان، هم دشمنان ظاهر و آشکار و هم دشمنان پنهان و مخفی. بنابراین، هدف از افزایش قدرت نظامی باید دفاع منطقی و مشروع در برابر تجاوزهای احتمالی باشد. (آیات ولایت در قرآن نویسنده: مکارم شیرازی، ناصر، جلد: ۱، صفحه: ۳۰۹)

و در تعالیم عالیّه دین فطری اسلام که خدای تعالی آن را برای بشر فرستاده است حکومتی را که باید اسم آن را حکومت انسانی گذاشت، در آن حقوق فرد فرد جامعه محفوظ و مصالح ضعیف و قوی، توانگر و فقیر، آزاد و برده، مرد و زن، فرد و جماعت و بعض و کل را بطور مساوی رعایت کرده است، حکومتش فردی استبدادی نیست تا قائم به خواسته‌های شخص حاکم باشد، و او به دلخواه خود بر جان و عرض و مال مردم حکومت کند. و حکومت اکثریت یعنی پارلمانی هم نیست تا بر طبق خواسته اکثر افراد دور زده و منافع مابقی پایمال شود، یعنی نصف جمعیت به اضافه یک به مراد خود رسیده و نصف منهای یک آن محروم گردد. و شاید سر اینکه بعد از خطاب به شخص رسول خدا سلام الله علیه در آیات قبل یعنی آیه (فَإِمَّا تَثَقَّفْتَهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَارِدْ بِهِم مِّنْ خَلْقِهِمْ) و آیه (فَأَنْبِئْ إِلَيْهِمْ عَلَي سَوَاءٍ) و (لَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا) و همچنین قبل از آیه (وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا) و غیر آن که خطاب در آنها نیز متوجه شخص رسول خدا سلام الله علیه است خطاب را متوجه عموم مردم کرده و فرموده: (وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ) همین نکته باشد، زیرا گفتیم که حکومت اسلامی حکومتی است انسانی، به این معنا که حقوق همه افراد انسانها را رعایت نموده و به خواسته‌های آنان احترام می‌گذارد، و لو هر که می‌خواهد باشد، نه اینکه خواسته‌های افراد را فدای خواسته یک نفر و یا خواسته اکثریت کرده باشد.

و چون چنین است دشمن منافع یک جامعه اسلامی دشمن منافع تمامی افراد است، و بر همه افراد است که قیام نموده و دشمن را از خود و از منافع خود دفع کنند، و باید برای چنین روزی نیرو و اسلحه زیر سر داشته باشند، تا بتوانند منافع خود را از خطر دست برد دشمن نگهدارند، بله پاره‌ای از ذخیره‌های دفاعی هست که تهیه آن جز از عهده حکومت‌ها بر نمی‌آید، ولیکن پاره‌ای دیگر هم هست که مسئول تهیه آن خود افرادند، چون حکومت هر قدر هم نیرومند و دارای امکانات زیادی باشد به افراد مردم محتاج است، پس مردم هم بنبوه خود باید قبلاً فنون جنگی را آموخته و خود را برای روز مبادا آماده کنند. پس تکلیف و اعدا ... ، تکلیف به همه است. (علامه طباطبایی، ج ۹، ص ۱۵۱-۱۵۲)

مقصود [از آیه مذکور] این نیست [که خدا می‌فرماید:] کافران بر ما پیروز نمی‌شوند. کافران که نمی‌خواهند با خدا مستقیم و بدون واسطه وارد نبرد شوند. بلکه مقصود این است که راه کافران بر راه مومنان هرگز پیروز نخواهد شد. راه اسلام، راه جامعی است که هم معنویات و همینطور مادیات را در بر می‌گیرد.

ویل دورانت "می‌گوید: هیچ دینی به اندازه اسلام پیروان خود را به قوت و نیرومندی دعوت نکرده است. آیه می‌گوید در مقابل دشمن، تا آنجا که برایتان مقدور است نیرو تهیه کنید. دیگر نمی‌گوید چه تهیه بکنید. بعضی مفسرین مثل علامه طباطبائی از این آیه همانطور که گفته شد نکته خوبی استنباط کرده‌اند. می‌گویند در آیات پیش، مخاطب فقط شخص پیغمبر است، در این آیه، مخاطب عموم مردم است. آیات پیش چنین بود: «ان شر الدواب عند الله الذین کفروا فهم لا یؤمنون الذین عاهدت منهم ثم ینقضون عهدهم». .. آنها که تو با آنان پیمان بستنی و پیمانشان را نقض کردند «فاما تثقفنهم فی الحرب» آنجا که تو بر آنها پیروز می‌شوی چنین کن. «و اما تخافن من قوم خیانه» آنجا که تو به عنوان رئیس مسلمین خوف و بیم خیانت آنها را پیدا کردی، پیمانشان را الغاء کن یعنی اقاله کن، [منتفی بودن آن را] به آنها اعلام کن. همه جا مخاطب خود پیغمبر است. ولی اینجا که می‌رسد نمی‌گوید: و اعد لهم ما استطعت من قوه ای پیغمبر! ای رئیس مسلمین! ای ولی امر «مسلمین! هر مقدار نیرو که برای تو ممکن است آماده کن. یکدفعه مخاطب، عموم مسلمین قرار می‌گیرند: ای مسلمین! عموماً، هر چه نیرو برایتان ممکن است آماده کنید. چون این نیرو، نیرویی نیست که فقط رئیس مسلمین باید آماده کند. یک مقدار آن، مجهز شدن خود افراد است. افرادی که باید تعلیمات ببینند و خبرویت و آمادگی پیدا کنند. با اینکه در اینجا هم وظیفه سنگین به عهده ولی امر مسلمین است، اما به واسطه کمال اهمیت، از اینکه مخاطب، ولی امر مسلمین باشد می‌گذرد و عموم را مخاطب قرار می‌دهد: «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه» هر چه می‌توانید نیرو تهیه کنید «و من رباط الخیل» یک مثال ذکر می‌کند: و از اسبان بسته که مظهر و دلیلی است بر مهیا بودن نیروها، چون در قدیم اسب نقش مهمی در جنگ داشت، یک سپاه وقتی می‌خواست آماده باشد، یکی از وسائل آمادگی اسبان بسته آماده به کار بود که وقتی اعلام بسیج می‌شد فوراً این اسبها را سوار می‌شدند و می‌رفتند. «ترهون به عدو الله و عدوکم» که به این وسیله، رعب و شخصیت شما در دل دشمنان خدا و دشمنان شما وجود داشته باشد، وقتی که نیروی شما را در نظر می‌گیرند دلشان بلرزد، و خلاصه روی شما حساب بکنند. جمله‌ای است از یکی از فیلسوفان معاصر اروپا می‌گوید: پیمانها بدون شمشیر، جز کلماتی بر روی کاغذها نیستند. سخنی بسیار اساسی است: تو به پیمان خودت وفادار باش اما تکاوتت به وفای طرف نباشد. از ناحیه خودت وفادار باش ولی به وفای طرف هرگز متکی مباش. نیرویت مهیا باشد که اگر طرف خواست پیمان را نقض کند با نیرو با او روبرو بشوی. گویی این فیلسوف حرف خودش را از این آیات قرآن اقتباس کرده است. قرآن بعد از اینکه آنهمه توصیه می‌کند به امر انسانی وفای به عهد و پیمان، در واقع اینطور می‌گوید: خودتان وفادار باشید ولی اعتماد نکنید به انسانیت دیگران. نیرویتان را آماده داشته

باشید که اگر آنها با نیرو با شما روبرو شدند، شما نیز با نیرو با آنها روبرو بشوید، و به موجب آن، شخصیت خودتان را به دشمنان خدا و دشمنان خودتان ثابت کنید که وقتی فکر شما را می‌کنند، دلشان بلرزد. (مطهری، مرتضی، ج ۱، ص ۱۶۴)

و در این باره محمد ادیب یکی از پرسش‌های مطرح درباره یهودیان را این‌گونه بیان می‌کند که چرا اینان دارای قدرت و حکومت هستند، در حالی که قرآن می‌فرماید: *أَضْرَبْتُ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةَ وَالْمَسْكَنَةَ؛ (البقرة/ ۶۱)* [اداغ] خواری و ناداری بر [پیشانی] آنان زده شد. آن‌گاه پاسخ می‌دهد: آن‌چه در قرآن آمده، یک قاعده ذاتی است که با عوارضی قابل تغییر موقت است. یهودیان از ضعف و تفرقه مسلمانان استفاده کرده، بر آنان حاکم شده‌اند. حقیقت قرآنی ذلت، مسکنت و غضب الهی درباره یهودیان تغییری نکرده؛ بلکه این مسلمانان هستند که در برابر یهودیان به وظیفه خویش عمل نکرده‌اند. یهودیان نزد اروپاییان محترم نیستند و به انسان‌هایی ترسو و مکار مشهور هستند. اما اروپایی‌ها از زور، زور و تزویر اینان، هراس دارند. قرآن درباره ترسو بودن یهودیان می‌فرماید:

*لَا يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرَى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ (الحشر/ ۱۴)* [آنان به صورت] دسته جمعی جز در قریه‌هایی که دارای استحکامات هستند یا از پشت دیوارها با شما نخواهند جنگید. اگر امت اسلامی تغییر انقلابی کند و به آیه *أَوْ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ؛ (الانفال/ ۶۰)* (و هر چه در توان دارید از نیرو بسیج کنید). عمل نماید، عوارض، از حقایق قرآنی، کنار رفته و سنت‌ها به حال ذاتی خود بازمی‌گردد و یهودیان، چونان مارهایی به سوراخ‌ها خواهند خزید. (علوم و معارف قرآن و حدیث، ج ۹، ص ۲۴)

با توجه به آنچه گفته شد، تأمین و تحصیل هر آنچه ما را در برابر دشمن قدرتمند میکند و از ذلت و خواری مسلمین جلوگیری میکند واجب و ضروری است. دانشی هم که مقدمه سازندگی و تأمین نیازهای اجتماعی است، و جامعه بدون آن قادر به ادامه حیات نیست و یا با مشکل جدی روبرو می‌شود و یا نمی‌تواند در مقابل تهاجم احتمالی دشمن از خود دفاع کند، تحصیل آنها بر افرادی از جامعه که توان تحصیل آن دانش را دارند واجب کفایی است. بدین معنی که بر همه کسانی که استعداد تحصیل آن دانش را دارند، واجب است آن دانش را بیاموزند؛ ولی اگر عده‌ای - به اندازه کفایت - برای آموختن آن اقدام کردند، تکلیف از دیگران ساقط می‌شود. بر این اساس تعدد رشته‌هایی که تحصیل آن واجب کفایی است، به تناسب نیازهای جامعه در زمانهای مختلف متفاوت است؛ مثلاً تحصیل دانش اتم‌شناسی در شرایطی که جامعه اسلامی نیازمند به آن نباشد، واجب نیست؛ ولی در شرایطی که مردم مسلمان برای دفاع از خود نیازمند به آن هستند، به موجب آیه: *وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ (الأنفال/ ۶۰)* یعنی «و در برابر آنان هر نیرویی که می‌توانید فراهم آورید»، تحصیل آن واجب کفایی است و در صورتی که اشخاص با استعداد برای تحصیل این دانش هستند محدود باشند، و وجوب کفایی در مورد آنها تبدیل به وجوب عینی می‌گردد. (محمدی‌ری‌شهری، ج ۱، ص ۴۴۱) آموختن و بکارگیری دانش پدافند غیرعامل در فقه امامیه هم نه تنها از دیرباز مورد توجه ائمه اطهار و علمای دین به تبع این بزرگواران، بوده که امروزه به واسطه گسترش جنگ سرد بالاخص از نوع تهاجم فرهنگی و تخریب افکار و اذهان مردمان سرزمین مورد تهاجم، بسیار مورد اهمیت است. و از آنجا که از مصادیق دفاع لازم در مقابل تهاجم دشمن است، مصداق واجب کفایی است.

### قاعده نفی سبیل

(آیه ۱۴۱ نساء، در باره نفی هرگونه سلطه کافران بر مسلمانان)

به آیه ۱۴۱ سوره نساء (به دلیل بخش آخر آیه) «آیه نفی سبیل» می‌گویند: *(الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فُتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَوْذُقْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعُكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا)؛* همانان که مترصد شما نیستند پس اگر از جانب خدا به شما فتوحی برسد می‌گویند مگر ما با شما نبودیم و اگر برای کافران نصیبی باشد می‌گویند مگر ما بر شما تسلط نداشتیم و شما را از [آورد در جمع] مؤمنان باز نمی‌داشتیم پس خداوند روز قیامت میان شما داوری می‌کند و خداوند هرگز بر [آریان] مؤمنان برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است.

کلمه «سبیل» از قبیل «نکره در سیاق نفی» است و معنای عموم می‌دهد. بنابراین، آیه هرگونه استیلا و سلطه کافران بر مؤمنان را ناشدنی می‌داند. این «جعل» می‌تواند هم «جعل تشریحی» باشد؛ همان‌گونه که برخی از فقها در مسائل مختلف فقهی برای عدم تسلط کفار بر مؤمنان از نظر حقوقی و حکمی به این آیه استدلال کرده‌اند، و هم می‌تواند «جعل تکوینی» باشد؛ یعنی کافران از نظر سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و از هیچ نظر بر افراد باایمانی که ملتزم به لوازم ایمانشان هستند چیره نخواهند شد.

و اگر آن‌ها بر مسلمانان پیروز می‌شوند به این دلیل است که بسیاری از مسلمانان وظایف و رسالت‌های خویش را فراموش کرده‌اند. (فرهنگ نامه علوم قرآن، دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۱، ص ۵۰۳)

بر اساس قاعده نفی سبیل، خداوند متعال در قوانین و شریعت اسلام، به هیچ روی، راه نفوذ و تسلط کفار بر مسلمانان را باز نگذاشته است. پس شرعاً کافر در هیچ زمینه‌ای نمی‌تواند مسلط بر مسلمانان باشد. به عبارت دیگر، هرگونه رابطه و عملی که منجر به برتری کافر بر مسلمانان باشد انجام آن بر مسلمانان حرام است. مانند: حرمت ازدواج زن مسلمان با کافر و عدم ولایت پدران کافر بر فرزندان مسلمان در اجازه ازدواج، عدم نفوذ قضاوت کافران بر مسلمانان و بطلان تولیت کافران بر اوقاف مسلمانان. بنابراین، نظام جمهوری اسلامی ایران بر پایه محور حفظ عزت و سیادت مسلمانان و نفی سلطه بیگانگان است. از اینرو، سیاست خارجی اسلام همانند سیاست داخلی اش، بر پایه اصولی استوار است که اجرای صحیح آنها، آثار ارزشمندی در پی خواهد داشت که بدون

رعایت آنها، ارتباط با ملل و دولتهای جهان قوام نمی یابد و به درستی شکل نمیگیرد. این صورت ثابت به اندیشه ها و مواضع سیاسی و امور خارجی اعتدال میبخشد و آن را از تندروی و کندروی و گرایشها و تنشهای تباہ کننده باز میدارد و به مسیر درست رهنمون میگردد و برای پذیرش اسلام و گسترش فرهنگ اسلامی در جهان، آنها را به خوبی ارائه میدهد و نیز از نفوذ فکر و فرهنگ غیر انسانی و طاغوتی پیشگیری میکند و گذرگاه سیاست استعماری را مسدود میسازد. از این روی، «نفی سبیل» با توجه به آیه ۱۴۱ سوره نساء (وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا) از زوایای گوناگون مورد بررسی قرار میگردد.

پیش از بررسی نحوه دلالت قاعده نفی سبیل بر وجوب پدافند غیرعامل، مناسب است به چند نکته کوتاه درباره قاعده فوق اشاره شود. نکته نخست آن که، قاعده فوق در مقام قانون گذاری و تشریح احکام است؛ بدین صورت که خدای تعالی در مقام تشریح احکام اسلامی، حکمی که سبب تسلط کفار بر مسلمانان شود جعل نکرده است، لذا مسلمانان نیز نباید حکمی را که به نوعی تسلط کفار را به دنبال دارد منعقد نمایند و خود را در زیر سلطه کفار قرار دهند. بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۸۸). البته، برخی دیگر از صاحب نظران با عمومیت بخشیدن به مفاد این قاعده معتقدند که عدم تسلط بیگانه در تمامی مسائل رایج نظام اسلامی، اعم از نظامی، فرهنگی، اقتصادی و... جاری است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۷۵) بر همین منوال، فقهای امامیه در ابواب مختلف فقه از این قاعده استفاده نموده اند و بر مبنای آن فتوا داده اند و به واقع از قواعد فقهی مهم و شناخته شده محسوب می گردند که به ویژه در فقه اقتصادی و فقه سیاسی، و به طور کلی در همه روابط فردی و اجتماعی میان مسلمانان و غیرمسلمانان به عنوان قانون کلی جریان دارد. (عمیدزنجانی، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۲۴) این قاعده بیان گر دو جنبه ایجابی و سلبی است که جنبه سلبی آن ناظر بر نفی سلطه بیگانگان بر مقدرات و سرنوشت سیاسی و اجتماعی مسلمانان و جنبه ایجابی آن بیان گر وظیفه دینی مسلمانان در حفظ استقلال سیاسی و از بین بردن زمینه های وابستگی است. (زینویوند، ۱۳۹۳، ش ۳۶، ص ۱۶۹) و در حقیقت توجه به همین مطلب است که توجیه گر مبنای قاعده مورد بحث در زمینه پدافند غیرعامل خواهد بود. مرحوم شیخ انصاری نیز بیان فرموده اند این قاعده بر بیش تر قواعد فقهی تقدم دارد. (شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۴۲) نکته بعدی در خصوص قاعده نفی سبیل آن است که این قاعده از احکام ثانویه است؛ لذا بر احکام اولی حکومت و بر آنها تقدم دارد؛ یعنی هر حکم اولیه ای که با این قاعده منافات داشته باشد باطل می گردد (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳، ص ۲۳۴)

با توجه به مبنای جامعیت قرآن، که مهم ترین مبنای قاعده نفی سبیل است، و اطلاق قاعده نفی سبیل طبق دیدگاه غالب مفسرین، (سیوطی، ۱۳۹۱ق، ج ۲، ص ۳۹۳) فقها و صاحب نظران مبنی بر این که نفی در قاعده دلالت بر این دارد که هر امری که موجب تسلط و سیطره غیرمسلمانان بر مسلمانان می شود می باید دفع و منع گردد، می توان قائل به لزوم وجود پدافند غیرعامل گشت. علاوه بر آن، برخی دیگر از فقها قائل به این هستند که هر چند قاعده نفی سبیل دارای مصادیق و فروع زیادی در میان احکام شرعیه است؛ اما یکی از مهم ترین مسائلی که می توان از تمام آن امور فرعی به دست آورد مسئله عدم ولایت کافر بر مسلمان است؛ به عبارت دیگر نباید کاری کرد که یک مسلمان تحت سیطره و تسلط کافر قرار بگیرد و کافر بر او ولایت داشته باشد. این مسئله که از ذیل آیه استفاده شده نشان دهنده اهمیت این مسئله است؛ لذا باید از هر راه ممکن ولایت کفار بر مسلمانان را نفی کرد و از آن اجتناب نمود. (حسینی مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۵۰)

قرینه مطلب آن جاست که وقتی حکومتی به لحاظ نظامی مورد تهاجم قرار گیرد، چه مغلوب گردد و چه مغلوب نگردد، از سایر وجوه یا مورد سلطه واقع می گردد و یا آسیب های جدی و قابل توجهی خواهد دید و بی تردید این مقدمه ای خواهد بود بر سایر چالش ها و دشواری ها که نمونه های آن در تاریخ به فراوانی دیده می شود. (غزالی، ۱۳۹۰، ص ۲۴۶) نکته دیگر همان دو جنبه ایجابی و سلبی قاعده نفی سبیل است که منظور از جنبه سلبی نفی سلطه از سوی اجانب است و جنبه ایجابی به معنای انجام و ایجاد راه کارهایی برای مسدود کردن راه نفوذ بیگانگان است که بحث پدافند غیرعامل معطوف به همین جنبه ایجابی خواهد بود. (دهشیری، ۱۳۷۸، چاپ دوم، ص ۱۳۰)

نکته احصاء شده دیگر در این آیه الزامی است که می توان از ذیل آیه استنباط کرد و آن را متوجه افراد، گروه ها، نهادهای دینی و اسلامی نمود؛ با توجه به این که قاعده نفی سبیل بیان کننده عدم سلطه و تسلط کفار بر مسلمانان است به طوری که حرمت و عدم جعل را در کنار هم داشته و علاوه بر حکم تکلیفی، حکم وضعی بطلان و فساد را نیز به دنبال خود دارد؛ لذا بیان آن چه که موجب سیطره کفار بر مسلمانان گردد، انجامش هم مغبوض و مورد نهی شارع بوده و استحقاق عقاب را به دنبال دارد و هم عقود و معاملاتی که سبب این سلطه و سیطره شده اند از نظر شارع مقدس فاسد و باطل است. (علی دوست، ۱۳۸۳، شماره ۷۶، ص ۲۳۳) افزون بر این، با نگاهی به قاعده نفی سبیل روشن می شود، از منظر دین اسلام حفظ اعتلا و برتری مسلمانان و نظام اسلامی یک اصل اساسی بوده و از اهداف مهم شمرده می شود؛ همانطور که رسول گرامی اسلام (صلی الله و علیه وآله) فرمودند: «الاسلام یعلا و لا یعلی علیه» ۷ اسلام بالاست و چیزی بالاتر از اسلام نیست، یعنی جامعه اسلامی از لحاظ درجه، در مرتبه بسیار بالایی قرار دارد و چیزی بالاتر از آن نیست. در دیدگاه فقه اسلامی به ویژه فقه امامیه سلطه و نفوذ دشمنان بر جامعه اسلامی و مسلمانان امری ناروا و مذموم است و برتری کفار بر مسلمانان چه در نظام تکوین و چه در نظام تشریح ممکن و پذیرفتنی نیست؛ به همین سبب هر عملی در این راه به اعتلا و پیشرفت کشور اسلامی کمک کند و مسلمانان را از سیطره و تسلط کفار خارج کند لازم و واجب است. به عبارت دیگر بر اساس این آیه شریفه راه هر نوع نفوذ و سلطه ای از جانب کفار علیه مسلمانان در حوزه های مختلف باید مسدود گردد که کلمه واجب بودن نشان دهنده این عمل و لزوم آن است؛ همانطور که در بخش دیگر از آموزه های دینی ما به طور

مثال آیه ۱۲۳ سوره توبه آمده است (وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً) دشمنانتان بایستی ستبری و ستیزی را در شما احساس کنند یعنی «أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ، أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ» آن قدر ستبر و نفوذناپذیر باشید که بیگانگان درباره شما احساس ستبری کنند، و همچنین در سخنان نورانی امیرمؤمنان (سلام الله علیه) که در کتاب شریف نهج البلاغه حکمت ۳۱۴ و سایر کتب شیعی آمده است که «رُدُّوا الْحَجَرَ مِنْ حَيْثُ جَاءَ» سنگ ستبر را از هر جایی که آمد برگردانید. سنگ پذیر، ستم‌پذیر، سلطه‌پذیر نباشید. البته قاعده نفی سبیل در قالب چند اصل الزام‌آور در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران گنجانده شده که نشان‌دهنده اهمیت مسأله عدم سلطه‌پذیری است. (بیگ زاده، ۱۳۹۵، چاپ ۲۶، اصول ۳، ۱۴۵ و ۱۴۶ قانون اساسی) براین اساس پدافند غیرعامل به دلیل رسالتی که به عهده دارد و بنابر این اصل که سیطره و نفوذ دشمن را از کشور دور نموده و به حال آماده باش در برابر هر نوع تهدید و تجاوز قرار دهد، می‌تواند بنابر نهی شارع از تسلط کفار بر کشورهای اسلامی در آیه نفی سبیل از مصادیق این قاعده به شمار رود.

قاعده «نفی سبیل» از قواعد فقهی مهم اسلامی و یکی از مستندات لازم‌الرعایه در حفظ عزت و سیادت مسلمانان و نفی سلطه بیگانگان است که بر اساس آیه ۱۴۱ سوره نساء، ابتدا باید معنی واژه «سبیل» روشن شود.

### بند اول: مفهوم سبیل

«سبیل» در لغت به معنی «راه» است، اما گاهی به معنی «شریعت و قانون» نیز به کار برده می‌شود. منظور از «سبیل» در اینجا، همان معنی اصطلاحی دوم است؛ یعنی قانون و شریعت. واژه «نفی» نیز در اینجا، به معنی «بسته شدن» است. پس مفهوم و معنی قاعده نفی سبیل کافران بر مسلمانان چنین است: خداوند در قوانین و شریعت اسلام، به هیچ روی راه نفوذ و تسلط کفار بر مسلمانان را باز نگذاشته و هرگونه راه تسلط کافران بر مسلمانان را بسته است. پس کافر در هیچ زمینه‌ای شرعاً نمیتواند بر مسلمانان مسلط شود. هرگونه رابطه و اعمالی که منجر به تفوق کافران بر مسلمانان باشد، انجام آن بر مسلمانان، حرام است. با قاطعیت میتوان گفت: قاعده «نفی سبیل» در روابط خارجی اسلام و مسلمانان - به اصطلاح - «حق و تو» دارد. اگر یک قرارداد سیاسی و اقتصادی و مقابله نظامی و حتی فرهنگی به عنوان مقدمه و زمینه تسلط کفار بر مسلمانان تلقی شود، قاعده «نفی سبیل» آن قرارداد و مقابله را باطل میسازد. (شکوری، ۱۳۷۷، ج دوم، ص ۳۲۶-۳۲۷)

### بند دوم: مفهوم «سلطه»

«سلطه»، که در لغت به معنی «قدرت از روی قهر (قریشی، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۲۹۰) است، در فرهنگ سیاسی، به معنی «استعمار» (امپریالیسم) و در زبان قرآنی، به معنی «استکبار» به کار میرود و عبارت از تسلط سیاسی و یا اقتصادی کشوری بر کشور یا کشورهای دیگر است. هرچند در حقوق بین الملل، اصل بر تساوی حاکمیت دولتها و مبتنی بر احترام متقابل (جعفری، ۱۳۷۰، مواد ۱، ص ۲۲۴-۲۲۵) و عدم مداخله کشورها در امور داخلی یکدیگر است. (همان، ماده ۲) اما واقعیتهای اجتماعی و سیاسی حکایت از وجود قدرتهای امپریالیستی و سلطه‌گوناگون دارند که به صورتهای اقتصادی، سیاسی و عقیدتی ظاهر میشوند:

۱- سلطه اقتصادی: سلطه اقتصادی وقتی است که قدرتهای اقتصادی اولاً، از طریق شرکتهای چند ملیتی، منابع تولید و بازار مصرف کشورهای مستعد سلطه را در اختیار خود می‌گیرند و از این راه، با تأسیس مراکز صنعتی در آن کشورها، بهره‌کشی از کارگران با مزد اندک، تهیه مواد خام ارزان، و استفاده از معافیتهای مالیاتی و ایجاد صنایع استخراجی و مونتاژ، کشورهای میزبان را عملاً وابسته به خود می‌سازند. ثانیاً، با تأسیس بانکهای استقراری و پرداخت وامهای پربهره به سرمایه‌داران خصوصی داخل کشورهای محروم، زمینه را برای استثمار فراهم مینمایند. ثالثاً، از طریق ایجاد شرکتهای مختلط کشت و صنعت و با استفاده از امتیازات دولت میزبان، راه را برای تک‌محصولی کردن کشاورزی باز میکنند و با اضمحلال کشاورزی سنتی، بازار مناسبی برای فروش محصولات کشاورزی خود فراهم می‌آورند. بدین روی، با تسلط قدرتهای اقتصادی بزرگ بر بازار، مواد اولیه، جریان پولی و بانکی و ابتکار عمل در سرمایه‌گذارها، امتیازات و منافع راهی کشورهای سلطه‌گر و وابستگی و استضعاف متوجه کشورهای ضعیف میگردد.

۲- سلطه سیاسی و نظامی: سلطه سیاسی، که ادامه روند سلطه اقتصادی است، کشورهای ضعیف را عملاً به انقیاد درمی‌آورد. قدرتهای سلطه‌گر اولاً، به طور غیر مستقیم، دست به ایجاد جناحهای سیاسی ساختگی در داخل کشورهای مستعد سلطه می‌زنند و چهره‌های بومی وابسته را به عنوان سیاستمدار پرورش میدهند تا از طریق نفوذ در مجالس قانونگذاری و هیأت حاکم، اهداف سلطه‌جویانه خود را تأمین کنند. ثانیاً، از طریق تأمین اسلحه، تربیت نیروی نظامی وابسته و سازماندهی نیروهای مسلح، زمینه را برای ایجاد اختلاف منطقه‌ای و برافروختن شعله‌های جنگ و در نهایت، مصرف اسلحه و رونق اقتصاد نظامی خود فراهم می‌سازند. رواج کودتاهای نظامی در اینگونه کشورها، دریچه اطمینانی است که همواره روند سلطه را تضمین مینماید.

۳- سلطه فرهنگی: امپریالیسم برای نیل به اهداف سلطه‌جویانه خود، با رسوخ در فرهنگ جامعه و با ارائه فرهنگ جایگزین، از طریق القای نیازهای مصنوعی و کالای مصرفی و تلقین استقبال از فرهنگ عاریتی، آداب و رسوم و سنتی تاریخی، ادبی، هنری، ملی، و مذهبی جامعه را تضعیف مینماید و در نهایت، با از بین بردن حس مسئولیت و کار و مبارزه، جامعه مورد نظر را به انحطاط می‌کشاند و از این راه، به بهره‌برداری و استثمار کشورهای ضعیف می‌پردازد.

۴- سلطه عقیدتی: بجز سلطه مادی، که نوعاً توسط کشورهای قدرتمند اقتصادی صورت میگیرد، نفوذ و اقتدار معنوی و عقیدتی نیز قابلیت و استعداد تبدیل به سلطه را داراست. تفاوت اصلی سلطه مادی و سلطه عقیدتی را در طریق راهیابی این دو باید دانست؛ بدین معنا که سلطه مادی با واسطه دولتها صورت میگیرد، در حالی که سلطه عقیدتی مستقیماً از مرزها عبور کرده، ملتها را از جذابیتهای خود متأثر می سازد. دولتهایی که معمولاً پس از انقلاب به قدرت میرسند، با شور و حرارتی که دارند، ممکن است ملتی تحت ستم را به راه انقلاب سوق دهند. از جمله موارد نفوذ و سلطه عقیدتی را در سیاستی که انقلاب فرانسه در پیش گرفت میتوان دید؛ چنانکه در فرمان نوزدهم نوامبر ۱۷۹۲ آمده بود:

کنوانسیون ملی به نام ملت فرانسه اعلام می دارد که برادری و یابوری خود را ارزانی اقوامی خواهد نمود که بخواهند آزادی از دست رفته انسان را باز یابند. (هاشمی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۲۸-۱۳۰)

مداخلات انقلابی اتحاد جماهیر شوروی (سابق) از طریق فعالیتهای «کمینترن» (۱۹۱۹-۱۹۴۳) و «کمینفرم» (۱۹۴۷-۱۹۵۶) با هدف گسترش سوسیالیسم، تأسیس و توسعه احزاب کمونیست در کشورهای دیگر را به دنبال داشت و بحرانهای متعددی را در نقاط گوناگون موجب شد و اتحاد شوروی (سابق) را از این طریق، به صورت یک قدرت سلطه گر درآورد. (همان)

این سلطه در عصر کنونی در قالب جنگ نرم و جنگ فرهنگی که از اهمیت و توجه بسیاری برخوردار است و به عنوان جایگزین واقعی جنگهای کلاسیک و نظامی بسیار مورد استفاده کشورها و دول متخاصم و سلطه گر قرار گرفته، به شدت نمایان است. که نمونه کامل آن در این تهاجم گسترده فرهنگی بر علیه کشور عزیزمان ایران به وضوح مشهود است. پدافند غیرعامل یکی از مهمترین ابزارها برای مقابله با این تهاجمات است. که هرگز نباید مورد غفلت و کم کاری قرار گیرد.

### پدافند غیرعامل جنگ نرم

مجمع تشخیص مصلحت نظام در راستای سیاستهای کلی نظام در سند چشم انداز ۲۰ ساله کشور، پدافند غیرعامل را به شرح ذیل تعریف نموده است: مجموعه اقدامات غیرمسلحانه ای که موجب افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب پذیری، تداوم فعالیتهای ضروری، ارتقاء پایداری ملی و تسهیل مدیریت بحران در مقابل تهدیدات و اقدامات نظامی دشمن می شود. (هاشمی، امیری، منفرد، ۱۳۹۵، ص ۹)

پدافند غیرعامل یک اصل است برای همیشه است و ربطی به دور یا نزدیک بودن تهدیدات ندارد. چون تا دشمن وجود دارد، تهدید هست و تا تهدید هست، فکر و آمادگی دفاعی باید باشد. هم پوششانی دفاع عامل (دفاع با سلاح) و دفاع غیرعامل (دفاع بدون سلاح) یک اصل قابل توجه می باشد. زیرا دفاع غیرعامل مکمل دفاع عامل و بالعکس دفاع عامل مکمل دفاع غیرعامل میباشد.

پدافند غیرعامل جنگ نرم به مسائلی می پردازد که موجب کاهش صدمات و شکافها در باورهای نیک افراد جامعه در حین جنگ و پس از آن می شود. این پدافند میزان تاثیرگذاری حملات نرم را کاهش داده و قدرت بازپرووری افکار را در مدت کوتاهی پس از آن افزایش می دهد.

و اینگونه باعث کاهش آسیب پذیری های فرهنگی در برابر تهدیدات عملیات روانی دشمن، پایداری سیستمهای فرهنگی ملی، ارتقای آستانه تحمل ملی از بعد فرهنگی، مدیریت بحران دفاعی عملیات فرهنگی و روانی و فرهنگ سازی ملی می شود. (موعظی، حسینی، ۱۳۹۴، ص ۱۷) جنگ نرم کلیه مولفه های یک جنگ تمام عیار را برای شکست دادن رغب داراست. ماهواره ها، سایتهای ضد انقلابی، تحلیلهای سیاسی هراس انگیز و قطعنامه ها ابزار جنگی دشمن هستند. پدافند عامل این ابزار نیز ماهواره ها، و سایتهای خودی و حتی بعضی امور فنی مانند ارسال پارازیت و مقابله با سایتهای مخرب و دروغ پرداز است.

آماده سازی پدافند غیرعامل جنگ نرم نیازمند فرهنگ سازی است. پدافند غیرعامل نرم برای امور فکری و فرهنگی به سرعت قابل انتقال است و پس از هجمه فرهنگی دشمن به جامعه انجام می گیرد، اما فرهنگ سازی و استفاده از قدرت نرم فرهنگی، که یک راهبرد طولانی مدت و یکی از اصول پدافند غیرعامل نرم است، همواره مورد نظر کشورها بوده است. پدافند غیرعامل نرم به هنگام هجمه نرم دشمن، راهکارهای کوتاه مدت را در دستور کار خود قرار داده سعی در ترمیم شکاف ها و تلفات در کوتاهترین زمان ممکن را دارد. رسانه های عمومی، بهترین ابزار برای مقابله با جنگ نرم دشمن و بسیج کردن افکار عمومی داخلی و جهانی به شمار می روند. (خزایی، ۱۳۹۴، ص ۱۷۹) و همچنین یکی از مهمترین موارد در این زمینه بصیرت افزایی و مقاوم سازی افکار عمومی از طریق جهاد تبیین توسط تمام نیروهای توانمند در این عرصه است. و دولت باید با حمایت همه جانبه و بسیج کردن نیروهای انقلابی و برگزاری کرسی های گفتمان و آزاد اندیشی در فضای مجازی و دانشگاه ها و مدارس و کلاس های آموزشی حتی در کوچه و خیابان و برای ساعاتی کوتاه توسط نیروهای مسلط و توانمند در زمینه رفع شبهات تمام سنین با زبان خودشان و آگاه سازی افراد جامعه اقدام کند. زیرا در شرایط فتنه و جنگ نرم، افکار مقاوم به عنوان سپر محافظ عمل کرده و ضربات فرهنگی را دفع می کند. شاید این کار در ابتدا یک کار دراز مدت فرهنگی به نظر برسد که در زمان حمله در آن لحظه و به خودی خود کاربرد ندارد؛ چرا که شرایط در زمان جنگ نرم با شرایط عادی متفاوت است. و از لحاظ فرهنگی، پرفشار بوده و روشها با زمان عادی تفاوت دارد. در فرهنگ سازی تربیت برای علم اولویت دارد. اصولاً هدف از فرهنگ سازی تربیت و پرورش رفتار و روش زندگی مردم بر اساس آموزه های دینی و جامعه مدنی است. ولی در پدافند غیرعامل، علم، و یا به عبارت دیگر اطلاع رسانی به موقع، نسبت به تربیت اولویت دارد. در جنگ نرم

فرصتی برای تربیت نیست، بلکه فقط باید با اطلاع رسانی صحیح نقاط خطر را به مردم گوشزد کرد که آماده حوادث پیش رو باشند اما به هر حال پدافند غیرعامل جنگ نرم و فرهنگ سازی هر دو در حوزه افکار، باورها و اندیشه های مردم فعالیت می کنند. و آنچه در مورد شرایط کشور ما و هجمه عظیم و دراز مدت جنگ نرم و تهاجم فرهنگی صورت گرفته بر علیه کشور و مردم ایران، که به جرات می توان گفت در روی زمین هیچ ملتی به اندازه ملت ایران مورد تهاجم شبانه روزی قرار نمی گیرد به نظر می رسد؛ ما در عرصه پدافند غیرعامل نیازمند کار همزمان و سریع و دقیق در هر دو عرصه و به صورت موازی هستیم. آنطور که از مشاهدات بر می آید دشمن خستگی ناپذیرانه این حرکت در موازات هر دو را در پیش گرفته و همزمان که در عرصه نبرد جنگ نرم در مقابل سربازان پیشین و لشکر آماده کنونی ما یعنی بزرگسالان این عرصه در حال نبردی سهمگین است. سپاه پسین ما یعنی خردسالان و کودکان ما را هم مورد هجمه فرهنگی گسترده ای قرار داده تا آن هنگام که نوبت ورود آن ها به عرصه شد مطمئن باشد که با سپری مقاوم چون گروه پیشین برخورد نخواهد کرد و به آسانی به هدف خود نائل می آید. در چنین حالتی هیچ چیز نمی تواند چون بصیرت افزایی به تناسب اقتضات در هر دو نسل، اینچنین بحرانی را پشت سر گذارد.

### قاعده مصلحت نظام

این منظور در معنای لغوی واژه مصلحت به گونه فشرده می نویسد؛ «الاصلاح نقیض الافساد، والمصلحة: الصلاح؛ بهبود بخشیدن، مخالف تباه کردن است و مصلحت به معنای شایستگی است.» (ابن منظور، ۱۴۱۶ق، جلد ۲: ۵۱۷)، اما صاحب اقرب الموارد با شرح کامل تر و روشن تر می نویسد: «المصلحة: ما یترتب علی الفعل و یبعث علی الصلاح، یقال: (رأی الامام المصلحة فی ذلک) ای هو ما یحمل علی الصلاح، ومنه سمی ما یتعاطاه الانسان من الاعمال الباعثة علی نفعه؛ مصلحت، عبارت است از آنچه که بر عمل بار و سبب صلاح می شود. از همین باب است این سخن که (امام مصلحت را در این دید). یعنی این، چیزی است که سبب صلاح می شود. و از این روی، کارهایی که انسان انجام می دهد و سبب سود بردن او می شود، به این نام [مصلحت] نامگذاری می گردند.» (الشرتونی اللبانی، ج ۱، ۱۸۸۹م، ص ۲۱۵) خلاصه سخن وی این است که مصلحت، سود و فایده ای است که در نتیجه انجام کاری بهره انسان می شود. می توان گفت مصلحت در سخنان فقیهان نیز، به معنای سود دنیوی و اخروی به کار برده شده است. باتوجه به آنچه گفتیم می توان گفت نگاه داشت مصلحت نظام، یعنی پاسداشت هر امری که به سود و صلاح جامعه باشد و سبب بهره معنوی یا مادی، دنیوی یا اخروی تک تک مردمان آن گردد. مصلحت علاوه بر این که در وضع و اجرای قوانین نقش اصلی را دارد، در اجرای قوانین ثابت و صدور فرمانها و دستورهای جزئی حکومتی نیز محوریت دارد؛ چه اینکه دارای دو عنصر اصلی جعل و اجرا است: نخست، مصلحت تشریعی؛ در رتبه ای قبل از جعل احکام و خواسته های کلی و جزئی اسلام قرار دارد، و تشخیص دهنده آن، بالاصاله، خداوند است. و دیگری، مصلحت اجرائی؛ در رتبه ای بعد از احکام و خواسته ها قرار دارد، و تشخیص دهنده آن، انسان ها در حوزه مسائل اجتماعی هستند که همان حکومت اسلامی است. این اجرائی بودن صرفاً در مقایسه با احکام و خواسته های مجموعه دین اسلام است؛ ولی در مقایسه با سازمان یک حکومت و تشکیلات تقنینی و اجرائی، این مصلحت صرفاً اجرائی نیست؛ بلکه مبانی قانونگذاری نیز دارد. مبانی حکم حکومتی مصلحت اجرا است؛ ولی مبانی حکم الهی مصلحت تشریعی است. (صرامی، ۱۳۸۰، ص ۷۰-۸۲)

در بسیاری از نصوص معتبر دینی پیش از بیان حکم یا پس از آن در همان دلیل یا در نص مستقل، وجه یا وجهی از مصالح و مفاسد آن بیان گردیده است؛ این وجوه در نهایت مصالحی است که به جامعه و افراد بر می گردد. اصلی ترین ضابطه برای مصلحت آن است که چون مصلحت زایدی شرعی باشد، و به جهت تأمین اهداف غایی شریعت و جامعه اسلامی و از بین رفتن مشکلات ناشی از تراحم برخی احکام و اداره مطلوب و بهینه جامعه وضع شده است؛ لذا در تقابل با شریعت قرار ندارد، بلکه تنها در گستره آموزه ها و غایات دین قابل ارزیابی است؛ چون نصوص شرعی در حکم ضوابط شکل گیری مصلحت شرعی هستند، و اعتبار مصلحت در مقام تشریح منوط به وجود قوانین و ضوابط شریعت است؛ از این رو مقید ساختن شرع به مصلحت منجر به خروج از موضوع اصلی می گردد؛ بنابراین، مصلحت اندیشی فقهی در قلمرویی غیر از تأمین اهداف و غایات شریعت، حجیت نداشته و قابلیت عرضه و ارائه ندارد. (ایزدی، ۱۳۹۲، شماره ۱، ص ۳)

بر این اساس، مصلحت از اساسی ترین محورها و ضوابط تصمیم گیری رهبران حکومت اسلامی است؛ لذا مسئولان حکومت اسلامی در هر مرتبه باید در طرح برنامه ها و تصمیمات خود همواره مصلحت جامعه اسلامی را مد نظر داشته باشند؛ هر چند فقهای شیعه ابعاد گوناگون آن را تنها در باب خاصی بررسی کرده اند، اما در میان سایر مسائل فقهی نکات سودمندی درباره آن تدوین نموده اند. یکی از انگیزه های مهم مصلحت، حفظ نظام است؛ این کلیدواژه در فقه، به سه معنا به کار می رود، اما آنچه که مربوط به موضوع نوشتار پیش روست معنای حفظ و حراست از کیان کشور اسلامی و مسلمین از هجوم دشمنان است؛ چنان که مرحوم نائینی تحفظ از مداخله اجانب و تحذر از حیل معموله در این باب و تهیه قوه دفاعیه را متذکر شده، و به عنوان اصل در مقام معرفی کرده است. (نائینی، ۱۴۲۴، ص ۷). این اهمیت و ارزش به اندازه ای است که به اعتقاد فقیهان، رسیدن به این مهم حتی در کنار حاکم جائز نیز گاهی واجب می شود؛ چه این که اهمیت حفظ نظام و هویت جمعی مسلمین چنین امری را می طلبد؛ بنابراین، مطابق با این دو معنا، حفظ نظام به معنای اداره شئون جامعه به گونه ای است که نیازهای مادی و معنوی آن به قدر امکان مهیا شود، و روابط و مناسبات داخلی تنظیم گردد. بدین منظور، امام راحل (ره) حفظ نظام را یکی از فلسفه های تشکیل حکومت اسلامی می دانند و می نویسند:



احکام الهی، چه احکام مالی، یا سیاسی و یا حقوقی، نسخ نشده‌اند، بلکه تا روز قیامت ماندگارند و روشن است نفس ماندگاری این احکام اقتضای وجود حکومتی را می‌کند که پایبند نگهداری و سیادت قانون الهی و عهده‌دار اجرای آن باشد. و اجرای احکام خداوند، بدون تأسیس حکومت، امکان‌پذیر نیست، تا این که هرج و مرج لازم نیاید. افزون بر این که حفظ نظام از واجب‌های مؤکد و از هم گسستگی امور مسلمانان از جمله امور ناخوشایند است و برآوردن این هدف‌ها، بدون وجود والی و برقراری حکومت، نشاید. (امام خمینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۴۳۱)

مرحوم میرزای نائینی نیز در این رابطه بیان فرموده‌اند:

در شریعت مطهره، حفظ بیضه (وطن) اسلام را، اهم جمیع تکالیف و سلطنت اسلامی را از وظائف و شئون امامت، مقرر فرموده‌اند... و واضح است که تمام جهات راجعه به توقف نظام عالم به اصل سلطنت و توقف حفظ شرف و قومیت هر قومی، به امارت نوع خودشان منتهی به دو اصل زیر است؛ نخست، حفظ نظامات داخلیه مملکت و تربیت نوع اهالی و رسانیدن هر ذی‌حقی به حق خود و منع از تعدی و تطاول آحاد ملت بعضی علی بعضی غیر ذلک از وظائف نوعیه راجعه به مصالح داخلیه مملکت و ملت، و دوم، تحفظ از مداخله اجانب و تحذّر از حیل معموله... (نائینی، ۱۳۹۳، چاپ سوم، ص ۵)

همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد، حفظ نظام از واجبات شرعی و عقلی است؛ نگاهی به باب‌های گوناگون فقه نیز، نشان‌گر پذیرفته شدن این مهم در نزد همگی فقیهان است. از سوی دیگر، در عصر حاضر پدافند غیرعامل به‌عنوان یکی از مؤثرترین و پایدارترین روش‌های دفاع در مقابل تهدیدات، مدنظر اکثر کشورهای جهان قرار دارد و توجه به تهدیدات بالقوه و خطرانی که امنیت ملی، استقلال و تمامیت ارضی کشور را نشانه گرفته، ضرورت عقلی دفاع غیرعامل جنگ نرم را آشکار می‌نماید.

و آنچه کاملاً در عصر امروز و استفاده همه جانبه دول متخاصم از جنگ نرم مشهود است خلاء بصیرت در میان افراد یک جامعه، مفسده ای عظیم را به همراه خواهد داشت که پیکره و ساختارهای اساسی یک جامعه را درهم ریخته. و حفظ و حراست از کیان کشور اسلامی و مسلمین از هجوم دشمنان اسلام را که از اهم جمیع تکالیف و سلطنت اسلامی است، را غیر ممکن خواهد ساخت.

### بصیرت حلقه ی گم شده

خداوند متعال، برای تجزیه و تحلیل مسائل معنوی و غیرمادی عالم وسیله ای در انسان تعبیه کرده است که از آن به بصیرت و بینش یاد می‌شود و در نقش آفرینی و اثربخشی بالاتر از چشم جسمانی است و نبودن آن، به تحجّر و تجمّد، عوام اندیشی و پیروی کورکورانه انسان می‌انجامد.

در اهمیت و ارزش بصیرت همین بس که اولیاء خدا و پیشوایان معصوم با الهام از قرآن کریم، پیروان خود را به کسب بصیرت و به دست آوردن آگاهی‌های جهت بخش، امر می‌کردند و امر مستقیم آنها، حکایت از ارزش و نقش آفرینی آن مقوله دارد. (وفا، ۱۳۸۸)

قرآن در آیه؛ هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ می‌فرماید: (جائیه/۲۰)

این قرآن ارجمند و شکوهمندی که بر قلب مصفای تو فرو فرستاده ایم، سرچشمه بینش‌ها و روشنی‌ها و روشنگری‌ها برای مردم حق طلب است؛ در این کتاب زندگی ساز و انسان پرور پندها و اندرزها و عبرت آموزیها و عبرت انگیزیهای بسیاری برای جانهای شیفته حق و دل‌های بیدار و هوشیار است. و نیز این کتاب مایه هدایت و رهنمون و دلیل‌های روشن است. (طبرسی، بی تا، ص ۴۳) با توجه به مضمون عمیق آیه می‌توان دریافت که قرآن در تمام زمینه‌های فکری، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی و ... وسیله بصیرت است.

پیامبر خدا سلام الله علیه می‌فرماید «لیس العمی عمی العین بل عمی القلب» کور آن نیست که چشمش نابینا باشد بلکه کور [واقعی] آن کسی است که دیده بصیرتش کور باشد (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷، ص ۵۵۸)

نوع نگرش آدمی، آینه تمام نمای اندیشه و تفکر اوست، همان‌گونه که می‌نگریم، می‌اندیشیم، فکر نابینا و کور نگاهش محدود است، و در ظواهر مادی محصور میگردد، درست برخلاف آنکه فکرش چون اسبی تندپا و رها جولان می‌دهد بر عرصه اندیشه و می‌شکافد ظواهر پدیده‌ها را و شعاع دیدش را به درون اشیاء می‌تازد تا کنه و حقیقت آن را دریابد. و همانند انوار خورشید که از ورای شیشه می‌تابد و حرارت و روشناییش به درون نفوذ می‌کند افراد هوشمند نیز باید نگاهشان نافذ و «عبرت آموز» باشد. چنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

... فَاتِمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَتَفَكَّرَ وَنَظَرَ فَأَبْصَرَ وَاتَّقَعَ بِالْعَبْرِ ثُمَّ سَلَكَ جَدًّا وَاضِحًا يَتَجَبَّبُ فِيهِ الصَّرْعَةُ فِي الْمَهَاوِي وَالضَّلَالِ فِي الْمَغَاوِي (نهج البلاغه: خطبه/ ۱۵۳)

انسان بینا کسی است که به درستی شنید و اندیشه کرد، پس به درستی نگریست و آگاه شد، و از عبرت‌ها پند گرفت، سپس راه روشنی را پیمود، و از افتادن در پرتگاه‌ها، و گم شدن در کوره راهها، دوری کرد، و کوشید تا عدالت را پاس دارد و برای گمراهان جای اعتراض باقی نگذارد، که در حق سختگیری کند، یا در سخن حق تحریف روا دارد، یا در گفتن سخن راست بترسد.

بی بصیرت‌ها، خواسته و ناخواسته در زمینه‌های مختلف اعتقادی، سیاسی و اخلاقی تحت تاثیر القائات دشمنان قرار گرفته از مسیر واقعی منحرف می‌شوند. به جرئت می‌توان گفت دلیل همه انحرافات اعتقادی و سیاسی که تاکنون امت‌ها با آن روبه‌رو بوده‌اند و بعضاً به نابودی و انحطاط آنان نیز منجر شده است، رفتارها، تصمیم‌گیری‌ها و موضع‌گیری‌های بدون «بصیرت» بوده است.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: خداوند با همه شما اتمام حجت کرده اگر راه خطا رفتید و گرفتار مجازات الهی در دنیا و آخرت شدید بدانید بر اثر کوتاهی خودتان بوده است. ریشه‌های این گرفتار حکیمانه در قرآن مجید است. در آیه ۱۰۴ سوره «انعام» می‌خوانیم: «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ...»؛ «دلایل بصیرت آفرین از طرف پروردگارتان برای شما آمده؛ کسی که (به وسیله آن،) بصیرت و آگاهی یافت، به سود خود اوست؛ و کسی که از دیدن آن چشم پوشید به زیان خودش می‌باشد». (مکارم شیرازی، بی تا، ص ۲۹۴)

و در کلامی دیگر از امیرالمؤمنین (ع) درباره حقوق متقابل مردم و مسئولان، برای هر کدام به چهار گزاره اساسی اشاره می‌کند. امام (ع) در این بیان فرمود: «ای مردم، مرا بر شما حقی است و شما را بر من حقی. اما حق شما بر من این است که خیرخواه شما باشم و غنیمت شما را به طور کامل به شما بپردازم و شما را تعلیم دهم تا جاهل نمانید؛ همچنین مؤدب به آداب کنم تا بیاموزید؛ أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَ لَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالْتَّصِيحَةُ لَكُمْ وَ تَوْفِيرُ فَيْئِكُمْ عَلَيَّكُمْ وَ تَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا وَ تَأْدِيبُكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا»

بر این اساس چهار حق اساسی حاکم بر مردم جامعه شامل این موارد است: نَصِيحَةُ لَكُمْ (نصیحت کردن)، ۲ - وَ تَوْفِيرُ فَيْئِكُمْ (پرداخت غنیمت)، ۳ - وَ تَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا (جهل زدایی)، ۴ - وَ تَأْدِيبُكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا (مؤدب به آداب کردن). به نظر می‌رسد که منظور از نصیحت و خیر خواهی خالصانه امت، در خطبه بالا، همان برنامه‌ریزی کامل و همه جانبه برای پیشرفت و تعالی مردم در تمام جنبه‌های معنوی و مادی است. بر اساس این خطبه سومین وظیفه حاکم، پرداختن به مسائل مربوط به آموزش و کارهای فرهنگی است.

امام علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: حق دیگر شما بر من، این است که شما را تعلیم کنم تا از جهل و نادانی رهایی یابید، «و تعلیمکم کیلا تجهلوا»، آری والی باید با آموزش‌های صحیح و سالم به مبارزه با جهل برخیزد و سطح افکار مردم را بالا ببرد و فرهنگ جامعه را تقویت کند و عامل مهم بدبختی‌ها را - که جهل و نادانی است - ریشه کن سازد. حضرت می‌فرماید: چهارمین حق شما بر من، این است که: شما را تربیت کنم و پرورش دهم تا فرا گیرید و آگاه شوید، «و تأدیبکم کیما تعلموا» (مکارم شیرازی، بی تا، ص ۳۴۷)

بصیرت افزایی در تمام جنبه‌های لازم زندگی یکی از مسائل مهم در این مساله می‌تواند باشد، جهل زدایی مردم آن زمان ایجاد می‌شود که بصیرت جایش را بگیرد. و آن زمان که حاکم در همه جا مصلحت امت را در نظر گرفت و امنیت و نظم را برقرار ساخت و با دشمنان به مبارزه برخاست و اسباب پیشرفت و تکامل جامعه را فراهم کرد امت نیز باید پشت سر امامشان بایستند و مانند بازویی نیرومند برای او عمل کنند و کاری که بر خلاف این عهد و پیمان است، هرگز انجام ندهند. این عملکرد آگاهانه و ایفای وظیفه درست، جز از مردمی بصیر بر نمی‌آید بالاخص در زمان جنگ نرم، بصیرت نقش بسیار مهمی خواهد داشت. جامعه آن زمان باید آگاهانه پا به عرصه بگذارد چنین جامعه‌ای در تمام طوفان‌های حوادث و تلاطمات چون سازه‌ای قدرتمند مقاومت خواهد کرد.

در نظام دینی، سیاسی و حکومتی اسلام برای مردم جامعه جایگاه و اهمیتی خاص قائل است و همواره در ابعاد و جنبه‌های گوناگون این توجه و گرایش را به حیطة عمل در می‌آورد و یکی از ابعاد مهم این رویکرد، تلاش فکری و عملی برای ایجاد بصیرت و بینش در مردم، بالا بردن توان تجزیه و تحلیل مسائل، تفکر و اندیشه عمیق به منظور جداسازی حق از باطل و انتخابی آگاهانه و آزادانه برای حضور در عرصه‌های مختلف دینی، فرهنگی، اجتماعی، فعالیت‌های سیاسی و... است.

شناخت دشمن یکی از مهمترین مظاهر بصیر بودن است. قرآن کریم در آیات بسیاری در مورد دشمن شناسی برای حفظ و سلامت جامعه سفارش کرده و در قالب داستان‌های عبرت آموز به معرفی دشمنان توحید در اشکال گوناگونی چون شیطان شناسی، منافق شناسی، طاغوت شناسی و کفار و مشرکان اشاره می‌کند، و اینگونه با بیان

آیات متعدد، چهره دشمنان اسلام و راههای مقابله با شیوه‌های نفوذ آنان را به خوبی تبیین نموده است.

قرآن شناخت اهداف دشمنان اسلام و جامعه اسلامی را از حساس ترین وظایف مسلمانان عنوان می‌کند و پیروانش را به آن تشویق و ترغیب نموده است. طبعاً بدون بصیرت و هوشیاری و دشمن شناسی، نمی‌توان بر توطئه‌های دشمنان پیروز گشت.

إِنْ يَتَّقَوْكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَسْطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُمُ بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ

«اگر (دشمنان) بر شما دست یابند همچنان با شما دشمن اند و دستان شان (به زور) و زبان هایشان (به تبلیغات) به بدی به سوی شما باز است و دوست دارند کافر شوید و از ارزش‌های خویش دست بردارید.» (الممتحنة/۲)

رسول اسلام صلی الله وعلیه و آله نیز در این باره هشدار داده و فرموده است:

أَلَا إِنَّ أَعْقَلَ النَّاسِ عَبْدٌ عَرَفَ رَبَّهُ فَاطَاعَهُ وَ عَرَفَ عَدُوَّهُ فَعَصَاهُ (المجلسی، بی تا، ص ۱۸۱)

بدانید عاقل ترین مردمان کسی است که پروردگار خود را بشناسد و او را فرمان برد و دشمنش را نیز بشناسد و با او به مخالفت برخیزد.

مهمترین ویژگی حضرت علی (ع) در برخورد با دشمنان در عرصه های سخت و نرم، داشتن بینش و واقع بینی مترتب بر آن بود همانگونه که در نهج البلاغه شناخت دشمن را رمز بینش می داند: «و اعلموا انکم لن تعرفوا الرشده حتی تعرفوا الذی ترکه و لن تاخذوا بميثاق الكتاب حتی تعرفوا الذی نقضه و لن تمسکوا به حتی تعرفوا الذی نبذه...»

بدانید، که شما رستگاری را نخواهید شناخت، مگر آن گاه که بدانید آنان که طالب رستگاری نیستند، چه کسانی و هرگز به پیمان قرآن وفا نمی کنید، مگر آن گاه که بدانید چه کسانی پیمان قرآن را می شکنند. و به قرآن تمسک نخواهید جست تا آن گاه که واگذارندگان قرآن را بشناسید. (نهج البلاغه، خطبه/۱۴۷)

حضرت امام جواد(ع) نیز یکی از ارکان مهم دفاع را شناخت دقیق دشمن می داند و می فرماید: «مَنْ لَمْ يَعْرِفِ الْمَوَارِدَ أَعْيَتْهُ الْمَصَادِرُ» هرکس نداند کاری را از کجا آغاز کند و از راه های ورود او مواضع کلیدی دشمن را بی خبر باشد، پیدا کردن راه های خروج او را خسته خواهد کرد و از به سرانجام رساندن آن درماند. (المحمدی الری شهری، بی تا، ص. ۵۴)

پس دانستن این مطلب بسیار ضروری است که اگر آرامش و صلح را می خواهیم باید خود را برای شرایط جنگی چه در عرصه پدافند غیرعامل و چه پدافند عامل مهیا کنیم.

مسلم کردن جامعه به پدافند غیرعامل جنگ نرم نیازمند شناخت نقاط ضعف و نقاطی است که دشمن آنها را مورد هدف قرار می دهد. پس از شناسایی اهداف دشمن می بایستی نسبت به مقاوم سازی آنها اقدام کرد.

در حقیقت طرحهای پدافند غیرعامل قبل از انجام مراحل تهاجم و در زمان صلح تهیه و اجرا میگردند، با توجه به فرصتی که در زمان صلح جهت تهیه چنین طرحهایی فراهم میگردد ضروری است این قبیل تمهیدات در متن طراحی ها لحاظ گردند. می توان مجموعه اهدافی که برنامه ریزی در زمینه پدافند غیرعامل به دنبال آنهاست به شرح ذیل خلاصه نمود.

۱. کاهش قابلیت و توانایی سامانه های شناسایی، هدف یابی و دقت هدفگیری تسلیحات آفندی دشمن
۲. بالا بردن قابلیت بقاء استمرار عملیات و فعالیتهای حیاتی و خدمات رسانی مراکز حیاتی، حساس و مهم نظامی و غیر نظامی کشور در شرایط وقوع تهدید، بحران و جنگ
۳. تقلیل آسیب پذیری و کاهش خسارت و صدمات تاسیسات، تجهیزات و نیروی انسانی مراکز حیاتی، حساس و مهم نظامی و غیر نظامی کشور در برابر تهدیدات و عملیات دشمن
۴. سلب آزادی و ابتکار عمل از دشمن
۵. صرفه جوئی در هزینه های تسلیحاتی و نیروی انسانی
۶. فریب و تحمیل هزینه بیشتر به دشمن و تقویت بازدارندگی
۷. افزایش آستانه مقاومت مردم و نیروی خودی در برابر تهاجمات دشمن
۸. حفظ روحیه و انسجام وحدت ملی و حفظ سرمایه های ملی کشور
۹. حفظ تمامیت ارضی، امنیت ملی و استقلال کشور (کوهکن، جدیدی، ۱۳۹۵، ص ۹۴۰)

مردم همیشه نقش اصلی و مهمی در تمام طیف جنگ ها چه عامل و چه غیر عامل داشته اند پس بایستی آنها را از وقوع جنگ نرم باخبر کرد تا آمادگی لازم را داشته باشند. چرا که جنگ نرم آرام و خیزان آنچنان که اکثریت مطلع نمی شوند آغاز میگردد، اما نباید آرامش مردم را بهم زد و باعث ترس و دلهره آن ها شد. در عین بازگویی حقایق و تقویت روحیه مردم علائم و نشانه های حمله فرهنگی و ویژگیهای عوامل داخلی دشمن را برایشان تبیین کرد، نقاط آسیب پذیر را شناسایی و آنها را تا حد امکان بکاهیم. نقاط ضربه پذیر فرهنگی و اهداف دشمن برای برنامه ریزی پدافند غیرعامل را بشناسیم. بطوریکه بتوانیم در برابر تهدیدها پایداری کنیم. دشمن باید بفهمد که با اعمال تهدید نمی تواند سیستم را بهم بریزد و اگر به این نتیجه برسد موجب بازدارندگی می شود.

در این راه، ضمن، انجام این امور لازم است؛ پناهگاههای جنگ نرم مانند خواص، روحانیون، مساجد، دانشگاه، مدرسه، بسیج، روزنامه ها، سایتهای اینترنتی، صدا و سیما و حتی خانواده نیز حالت جنگی گرفته تا در صورت لزوم به یاری افراد آسیب دیده بشتابند.

در حال حاضر اهداف دشمن در جنگ نرم در امور زیر خلاصه می شود؛ سست کردن باورهای دینی و انقلابی مردم و پشیمان کردن مردم از انقلاب و تبلیغ و ننگ زدایی از سازش با استکبار و عادی سازی خود فروختگی سیاسی و تبلیغ مصرفگرایی و تجمل پرستی و القای ترس و خودباختگی و تبلیغ ضرورت تسلیم و عقب نشینی در مقابل دشمن القای بی اعتمادی مردم به مسئولین و ترساندن از تحریم و انزوای جهانی ایران و بزرگنمایی اشکالات کوچک و کوچک نمایی موفقیتهای نظام، (مکلائی، اسماعیلی، ۱۳۹۸، ص ۳۹) سست کردن وحدت مردم و مسئولان، کاهش میزان مشارکت مردم، دامن زدن به اختلافات قومی، مذهبی، سیاسی و صنفی القای وجود بحران در جامعه، تضعیف اعتماد به نفس مردم، دشمن در جنگ نرم، با سیاه نمایی و تحقیر در صدد القای حقارت در ملت ماست. ملتی که حقیر شد تن به هر سازش و پستی می دهد. ماهواره های دشمن عمدتاً برای این منظور راه اندازی شده اند.

این روش فرعونی است که در قرآن به آن اشاره شده است. قرآن روش مدیریت فرعون را بر اساس تحقیر شخصیت زبردستان اعلام می کند. قرآن می فرماید: "فاستخف قومه فاطاعوه" فرعون قوم خود را خوار و خفیف می کرد تا آنها را مجبور به اطاعت از خود کند. پدافند غیرعامل در مقابل وظیفه دارد به تقویت روحیه و افتخار به داشته های فرهنگی ملت، تبلیغ دفاع از کشور و اسلام، خودباوری علمی و تلاش برای کسب استقلال فرهنگی بپردازد. (مکلائی، اسماعیلی، ۱۳۹۸، ص ۴۶)

ما اگر بخواهیم به این اهداف به طور کامل و بهینه دسترسی پیدا کنیم بنظر می رسد بهترین گزینه این باشد که روشهای پدافند غیرعامل جنگ نرم تضمین کننده این موارد باشد؛

اطلاع رسانی بموقع برای ایجاد آمادگی دائمی در مردم؛ اگر مردم برای حوادث آماده باشند هیچگاه گرفتار شبیخون نمی شوند. غافلگیر شدن همیشه تلفات را افزایش می دهد. چرا که فرد به یکباره احساس شکست میکند. مردم باید در جریان چگونگی اوضاع کشور قرار بگیرند حاکمیت نمیتواند از مردمی که از حوادث رخ داده در سطوح مختلف چه فرهنگی یا اقتصادی و یا سیاسی و ... مطلع نبوده و دلیل ایجاد یا سلب قضیه را نمیداند در هنگامه شبیخون فرهنگی انتظار همراهی داشته باشد. مسلمان محرم دانستن مردم آنها را از بی تفاوتی درمی آورد. مردم باید همه چیز را از اتاق شیشه ای تماشا کنند، آنگاه سرعت ربط مسائل را تشخیص داده و دچار غافلگیری نمیشوند. (مکلائی، اسماعیلی، ۱۳۹۸، ص ۳۹) و البته ناگفته نماند؛ رعایت این اصل بخوبی میتواند جلوی بسیاری مفاسد دیگر را هم که در رده های مدیریتی به وجود می آید را بگیرد و افراد ناکارآمد خود رغبت نمیکند پا در عرصه ای بگذارند که در آن خیره و کارآمد نیستند. دلیل وجود افراد ناکارآمد در عرصه های مدیریتی همین عدم شفاف سازی است. مدیر و رئیس در هر جایگاهی از مقامات حکومتی اگر بداند مسئول صددرصد تصمیمات و کارهای خود است و باید در صورت خطا مجازات و بهایی سنگین در قبال آن بپردازد و هرگز نمی تواند آن را پنهانکاری کند یا به گردن دیگری بیاندازد، چون در ویرتین مدیریت است نه در پشت پرده ریاست، پس در اتخاذ تمام تصمیمها نیاز به بصیرت و دانایی کامل در زمینه مدیریتی خود دارد تا بتواند بهترین گزینه ها را انتخاب کند، و بهترین عملکرد را از خود نشان دهد. و این خود از این جهت که به بهترین شکل ممکن جلب اعتماد مردم و فرماندهی صحیح و نیکو در زمان جنگ نرم را در پی دارد یکی از بهترین راه حل ها برای دفع و خنثی سازی فتنه ها و مشکلات در این زمان و همچنین غیر آن است.

در زمان جنگ نرم علاوه بر داشتن مدیرانی توانمند و بصیر در عرصه های مدیریتی که به سبب فرماندهی خردمندانه خود موجبات پیشرفت و پیروزی را برای ملت خود به ارمغان می آورند به جامعه ای مدیرگونه هم احتیاج داریم که در هر سطح و موقعیتی هستند، در همان حیطة مسئولیت خود، بدرستی مدیریت کنند که دچار بحران ها و چالش های پیش رو نشوند. و یار جامعه و نظام باشند نه بار آن، و در پیشبرد اهداف کلی نظام اسلامی به سرعت و با سهولت بیشتری حرکت کنیم. مثلا پدر و مادر، مدیر و مسئول خانواده و فرزندان خود هستند پس بایستی چنان عمل کنند که جلوه های بصیرت و آگاهی در نحوه فرماندهی شان متبلور باشد، و در فرزندانشان نمود پیدا کند. بیان این مطلب در اینجا می تواند خالی از لطف نباشد، که مدیریت در کل از مقوله های رفتاری است چه در سطح فردی و یا در سطوح کلان دو عامل در آن نقش آفرین است؛ یعنی انگیزه ها و افکار، که اولی بر جاذبه ها و انگیزش تأکید دارد و دومی بر دانایی و آگاهی و اطلاعات پای میفشارد. مدیریت به طیفی میماند که یک طرف آن در مدیریت فردی ظهور می کند و طیف دیگر آن در مدیریت جهانی متبلور میشود. در همه سطوح این طیف، آنچه بیش از همه اثرگذار است، نوع معرفت، بصیرت و شناخت است که جهت حرکت را مشخص و افقهای آن را تعیین می کند. کلام امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه می فرماید: "كُنْ فِي الْفِتْنَةِ كَابْنِ اللَّبُونِ، لَا ظَهْرَ فَيْرُكَبَ، وَلَا صَرَغَ فَيُحَلَبُ" مبنی بر این که در فتنه ها و حوادث مانند بچه شتری باشید که نه اجازه سوار شدن میدهد و نه پستانی دارد که دوشیده شود. اشاره به مدیریت رفتارها در شرایط مختلف دارد. به عبارت دیگر، در حوادث افراد باید از چنان بصیرتی برخوردار باشند که بتوانند رفتارهای خود را مدیریت کنند و مورد سوء استفاده دیگران واقع نشوند. (بابائی، ۱۳۹۳، ص ۳۲۲)

و مورد دیگر در همین زمینه آماده سازی مردم جلب اعتماد عمومی به منابع اطلاع رسانی داخلی که مهمترین نقطه کلیدی در پدافند غیر عامل جنگ نرم است. باید حداکثر پوشش نسبت به وقایع جامعه در اولین فرصت صورت گیرد که مخاطب با تمام واقعیت آنگونه که هست، آشنا شود، نه آنگونه که دشمن می گوید. باید گرایش به نیاز مخاطب، جدا بودن تحلیل از خبر و خودداری از جهت دار کردن اخبار رعایت شود مخاطب همیشه باید بتواند خود را در مقام قاضی احساس کند، و از مسائل نتیجه گیری درست کند.

برای مقابله با مخالفین (حتی دشمنان) بایستی تا جایی که امکان دارد غیرمستقیم و مستند وارد شد، تا مخاطب اقناع شود و دچار تردید و شبهه نشود. تمرکز زیادی و توزیع مراکز اطلاع رسانی برای ارائه کمکهای اولیه مورد دیگری است که باید به آن توجه جدی شود. البته تمرکز در اطلاع رسانی اولیه جنگ نرم فقط در مواردی خاص پاسخگوست. مردم مایل نیستند جواب تمامی سوالات خود را فقط از یک کانال دریافت نمایند. بنظر میرسد اگر اخبار از چندین کانال و منبع معتبر بیان شود هم به دلیل تکرار هدف متمرکز و هم به دلیل آنکه برقراری ارتباط مخاطبین مختلف با کانال های خبری متناسب با سلاقی خود، بهتر صورت میگیرد. عدم تمرکز در اطلاع رسانی موجب افزایش تاثیر این کانال ها می شود. دشمن هم اگر دریابد که حریف فقط یک منبع اطلاع رسانی دارد، آنگاه منتهای سعی خود را در تخریب آن بکار میگیرد. همانگونه که اکنون دیده می شود رسانه های دشمن در هر پوششی چه در ساخت یک فیلم سینمایی و یا سریال و حتی در انیمیشن هایی که برای کودکان می سازند به ترویج افکار پلید خود می پردازند. و عرصه ای را خالی از تهاجم

فرهنگی باقی نگذاشتند. با این هجم گسترده از حملات نرم فرهنگی ما نیز باید تقابلی برابر و در خور داشته باشیم. و با ایجاد کانال های متنوع خبری و با سرگرمی و یا آموزشی و... قوی و متناسب با سلاقی ببینده، منابع معتبر و قابل اعتمادی در اختیار مردم جامعه یمان قرار دهیم. که در عین حالی که نیاز ببینده به برنامه های مورد نظر خود را برآورده می کند خود ابزاری برای آموزش و بصیرت افزایی باشد.

در مدارس و دانشگاه ها بایستی علاوه بر آموزش دروس، مهارت های زندگی و تطبیق آن با واقعیت های جامعه جزئی از برنامه های آموزشیمان قرار گیرد. باید مطالبه گری و کنشگری صحیح نسبت به حوادث و مسائل جامعه و عملکرد مدیران و مسئولان را به دانشجویان و دانش آموزانمان بیاموزیم. تا محرکی قوی برای پیشبرد جامعه رو به سوی پیشرفت باشند. و بستری مقاوم و مطمئن برای شنیده شدن و پیگیری دقیق این مطالبات ایجاد شود. که دانشجو و دانش آموز و همچنین تمام اقشار جامعه بدانند و این را با تمام وجود احساس کنند که به عنوان جزئی از این ملت صدایشان و مطالبات بر حقشان اگر بر مدار صحیحش باشد. به طور قطع شنیده و رسیدگی خواهد شد. و مطمئن باشند هیچ مسئولی نخواهد توانست از زیر بار این مطالبات بر حق شانه خالی کند.

و همچنین باید بدانیم، مقاوم سازی فکری مردم برای کاهش خسارات جنگ نرم ایجاد سوء ظن دائمی نسبت به دشمن را ایجاد می کند، و نمی تواند به راحتی فضای فکری جامعه را مسموم کند. حداقل برای شنونده ناآگاه ایجاد شبهه نسبی می کند و او را وادار به جستجو برای برطرف کردن این شبهه و جواب سوال خود می کند، و اگر فضای اطلاع رسانی را بخوبی مهیا کرده باشیم، به پاسخ درست خواهد رسید.

تقویت اعتماد به نفس مردم مسأله بسیار مهمی است، تا به داشته های فرهنگی و ملی خود اعتماد و تکیه کنند، و باور کنند که «ما می توانیم در مقابل تهدیدات دشمن و کاهش آسیب پذیری ها اقدام موثر انجام دهیم». چون یکی از اهداف مهم دشمن در عملیات روانی، القا «نمی توانیم» است، باید با استفاده از رسانه ها به جنگ این تفکر نادرست برویم.

رسانه ها باید با بیان توانمندی ها و کارهای انجام شده و آشکار ساختن ضعف های دشمن برای مردم گام موثری را در این زمینه بردارند. مردم باید بپذیرند که می توانیم و به دشمن هم ثابت کنیم که نمی توانند کاری بر علیه ما انجام دهند.

و در مجموع مسئولیت پذیری نسبت به سرنوشت کشور باید تقویت گردد. و هر یک از افراد جامعه باید بدانند اگر حق وظایفی را که بر عهده دارند به خوبی ادا کنند، کشورشان به همان مقدار در عرصه های ملی و بین المللی موفق خواهد بود. از دیگر سو رشد و پویایی یک جامعه در گروهی اجرای تعهدات جاری بین مردم و مسئولان است؛ یعنی مردم و مسئولان باید با حقوق خود نسبت به یکدیگر آگاهی کامل داشته باشند تا در این چرخه اجتماعی بتوانند نقش خود را به خوبی ایفا کنند.

### نتیجه گیری

پدافند غیرعامل در کنار پدافند عامل همانگونه که مشخص شد یک امر واجب و ضروری برای حفظ و حراست از تمام داشته های یک ملت از حیث فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و امنیت است. آری همانطور که به ترتیب بیان شد دشمن در جبهه جنگ نرم اول فرهنگ و باورها و داشته های فرهنگی ما را آرام آرام نابود میکند. و همان زمان که بهت زده و سرگردان و سردرگم در دو راهی تردید اسیر شبهات ایستاده ایم. با هجومی سهمگین و غارتگرانه سیاست و اقتصاد ما را چنان متزلزل خواهد کرد که با کوچکترین نسیمی که از درهم ریختگی جامعه یمان برخاست فرو ریزد و آنگاه امنیت جامعه و سرزمینمان را به یغما خواهد برد. یادمان باشد جامعه ای پایدار و مقاوم و پابرجا خواهد ماند که طبق گفته قرآن و ائمه اطهار که نمونه های خوبی از آن ها در متن مقاله ذکر شد؛ بصیرت در وجود تمامی مردمش از کوچک و بزرگ به مقتضای سن و جایگاهشان نهادینه شود. مدیر و رئیس بصیر می داند که نیامده فقط زُست ریاست بگیرد و امر و نهی کند. او آمده تا خادم مردم باشد و فقط ایفای وظیفه کند آنهم به درستی و کامل و بدون نقص، پس آنگاه که در خود این توان و لیاقت را نبیند بر مسند ریاست تکیه نخواهد زد و جای را برای اصلاح خالی خواهد کرد. ویژگی مردم بصیر هم اصلح گزینی و حمایت از اصلح هاست. جامعه ای که بصیرت در نگاه و فکر مردم آن جاری است، هر که را مناسب و لایق جایگاهش ندید پس می زند، دشمنش را می شناسد. در برابرش می ایستد، به او اعتماد نمی کند، سخنانش را با تردید می شنود، و تا صحت گفته هایش برای او از منابع موثق محرز نشده سخن او را هرگز نمی پذیرد و به دیگری منتقل نخواهد کرد، چرا که نسبت به دشمنش سوء ظن دائمی دارد حتی اگر از روی نیرنگ آهنگ خوش دوستی بنوازد.

ملت آگاه پشت سر فرماندهان بصیر عرصه فرهنگ و سیاست و اقتصاد و امنیت می ایستند و با تمام توان همانگونه که پروردگار متعال در آیه ۶۰ سوره انفال: *أَوْ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ!* (و هر چه در توان دارید از نیرو بسیج کنید.) از داشته ها و جامعه ی خودشان دفاع خواهند کرد، و هر گونه آمادگی لازم برای مقابله با دشمن را فراهم خواهد کرد. همانطور که بیان شد آمادگی به لحاظ اثبات عمومیت آیه جهات مختلفی را در بر می گیرد که یکی از مهمترین مصادیق آن آمادگی نظامی است. اما منحصر به آن نمی شود از این رو آمادگی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و امنیتی زمینه ساز رهب و ترس دشمن از انجام حمله نظامی خواهد بود. در اسلام دفاع و بازدارندگی اصالت دارد و مقدم است و جنگ گزینه بعد از آن می باشد. آیه علت و هدف آمادگی را ترساندن مستمر و دائم دشمن برای جلوگیری از اقدامات او بر علیه مسلمانان می داند. ایجاد این قدرت بازدارنده قوی به طور قطع ملتی بصیر می طلبد که بر رهرو قاعده نفی سبیل که می فرماید: *«وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»* خداوند هرگز بر [زبان] مؤمنان برای کافران راه [اتسلاطی] قرار نداده است.

اجازه نمی دهد دشمن بر او چیره و مسلط گردد و اقتدارش را درهم ریزد. چرا که می داند اگر چنین شود او کم کاری و ترک وظیفه کرده همانطور که گفته شد بر اساس قاعده نفی سبیل، خداوند متعال در قوانین و شریعت اسلام، به هیچ روی، راه نفوذ و تسلط کفار بر مسلمانان را باز نگذاشته است. پس شرعاً کافر در هیچ زمینه ای نمی تواند مسلط بر مسلمانان باشد. پس هرگونه رابطه و عملی که منجر به برتری کافر بر مسلمانان باشد انجام آن بر مسلمانان حرام است. حال آن عمل عدم آمادگی لازم چه در زمینه پدافند عامل و یا غیرعامل در تمام زمینه های نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی باشد و یا عدم بصیرت و جهاد تبیین باشد. تا آنچه به واقع بر مصلحت جامعه اسلامی است که حفظ و حراست از کیان کشور و مسلمین از هجوم دشمنان اسلام است، محقق گردد.

## منابع

۱. ایزدهی، سید سجاد، ۱۳۹۲، ضوابط مصلحت در فقه شیعه، سیاست متعالیه، سال اول، شماره ۱
۲. ابن منظور، محمد، (۱۴۱۶ق)، لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، جلد ۲: ۲
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (الشیخ الصدوق)، ۱۴۱۳ ق، من لای یحضره الفقیه نویسنده، ج ۴، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم
۴. بابایی، محمد باقر، (۱۳۹۳)، سبک زندگی و جهانی شدن در پهنه فرهنگ علوی، چاپ اول، (ویرایش و صفحه آرایی) هزاره سوم اندیشه، شمارگان: ۵۰۰، انتشارات مرکز ملی جهانی شدن
۵. شیخ انصاری، مرتضی، ۱۴۱۵ق، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چ نخست، ج ۴
۶. بجنوردی، سیدحسین، ۱۴۱۹، القواعد الفقهیه، قم، نشر الهادی، ج ۱
۷. جعفری، محمدتقی، ۱۳۷۰، حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب، تهران، دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، ص ۲۲۴-۲۲۵، منشور ملل متحد، مواد ۱.
۸. حسینی مراغی، سید میرعبدولفتاح بن علی، ۱۴۱۷ق، العناوین الفقهیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲
۹. خزایی، هوشنگ (۱۳۹۵)، بهار، پدافند غیر عامل از منظر مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا (مدظله العالی)، نشریه: بصیرت و تربیت اسلامی، دوره ۱۳، شماره ۳۶
۱۰. امام خمینی، ۱۳۸۸، البیع، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۲
۱۱. زینویوند، علی و کیمیا محمدی، ۱۳۹۳، قاعده نفی سبیل در اندیشه اسلامی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ش ۳۶
۱۲. سیوطی، حلال الدین عبدالرحمن، ۱۳۹۱ق، لاتقتان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد حائری قزوینی، تهران، نشر امیرکبیر، چاپ هشتم، ج ۲
۱۳. شکوری، ابوالفضل، ۱۳۷۷، فقه سیاسی اسلام، چ دوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی
۱۴. ضیاءبخش، علی، ۱۳۸۶، قاعده نفی سلطه، ماهنامه معرفت شماره ۱۱۵
۱۵. الشرتونی اللبانی، سعید الخوری، أقرب الموارد فی فصح العربیة و الشوارد، ج ۱، بی چاپ (بیروت، مرسلی الیسوعیه، ۱۸۸۹م)
۱۶. صرامی، سیفاله؛ ۱۳۸۰، احکام حکومتی و مصلحت، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام
۱۷. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۷۴، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۹، دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)، قم، چ: پنجم
۱۸. امام علی علیه السلام، نامه های نهج البلاغه، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت علیه السلام، کانال قرآن و حدیث
۱۹. امام علی علیه السلام، نهج البلاغه، دنیا شناسی، ترجمه استاد دشتی، نرم افزار تبیان
۲۰. عمیدزنجانی، عباسعلی، ۱۳۹۲، قواعد فقه، تهران، انتشارات سمت، چ نخست، ج ۳
۲۱. علیدوست، ابوالقاسم، «قاعده نفی سبیل»، مجله علمی-پژوهشی مقالات و بررسی ها، دانشگاه تهران، شماره ۷۶(۳) فقه، پاییز و زمستان ۱۳۸۳.
۲۲. فاضل لنکرانی، محمد، ۱۳۸۳، القواعد الفقهیه، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار
۲۳. فرهنگ نامه اصول فقه، ۱۳۸۹، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
۲۴. قرآن، سایت پارس قرآن ([parsQuran.com](http://parsQuran.com))، طراح نوید زبیری، ایجاد: اسفند (۱۳۸۴)
۲۵. قریشی، سید علی اکبر، ۱۳۶۴، قاموس قرآن، چ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۳

۲۶. کوهکن، علیرضا، جدیدی، نرگس، (۱۳۹۵، ۱۲-۱۳ مهر) مقدمه ای بر پدافند غیر عامل و جایگاه آن در سیاست خارجی: پیش زمینه توسعه پایدار، کنفرانس ملی پدافند غیر عامل و توسعه پایدار، وزارت کشور
۲۷. محمدی ری شهری، (۱۳۷۷)، ترجمه: محمد و حمید رضا شیخی، جلد: ۱، چاپ اول، میزان الحکمه، قم: دارالحدیث.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۶ ه. ش، پیام امام امیر المومنین (ع)، ج: ۱ و ۱۳ دار الکتب الاسلامیه، تهران، چ: اول
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۶ ه. ش، آیات ولایت در قرآن، تهیه و تنظیم حجة الإسلام والمسلمین ابوالقاسم علیان نژادی، ج: ۱، ناشر: نسل جوان، قم، چاپ: سوم
۳۰. المجلسی، العلامه، بحارالانوار، ۱۴۰۳ هـ. ق، مؤسسه الوفاء، ج: ۷۷
۳۱. محمدی الری شهری، الشیخ محمد، ۱۴۲۴ق، میزان الحکمه، جلد: ۳ و ۱ قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۴
۳۳. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۶، آشنایی با قرآن، مؤسسه انتشارات صدرا، ج ۱
۳۴. مکلائی، احمد، اسماعیلی، محمدباقر، ۱۳۹۸، جنگ نرم از منظر پدافند غیر عامل، فصلنامه علمی-تخصصی دانش انتظامی شرق تهران
۳۵. نائینی، محمدحسین، ۱۳۹۳، تنبیه الامه و تنزیه المله، قم، بوستان کتاب، چاپ سوم
۳۶. نائینی، محمدحسین، ۱۴۲۴، تنبیه الامه و تنزیه المله، تهران: چاپخانه فردوسی
۳۷. وفا، جعفر، ۱۳۸۸، زمستان، شماره ۲۲، بصیرت از منظر نهج البلاغه، ۱۴ صفحه از ۱۱۳ تا ۱۲۶
۳۸. هاشمی، سید محمد، ۱۳۷۸، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، دادگستر / میزان، ج ۱
۳۹. هاشمی، حسین، امیری، حمزه، منفرد، وحید: عامل تحریریه، آبان (۱۳۹۵)، ویژه نامه چشم بیدار، صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری سردبیر: کانون اندیشه راهبردی سازمان پدافند غیر عامل، مدیر هنری پوریا امیرزاده گرافیک و صفحه آرایی: منصور بلدزاده، حامد اشتری ویرایش متن: مرتضی عربی چاپ و صحافی: همشهری توزیع: شرکت نشرگستر امروز موعظی، مرضیه، حسینی امینی، حسن، ۱۳۹۴، کتاب پدافند غیر عامل، امنیت ملی و شهر، تهران: نشر انتخاب، شماره کتابشناسی ملی ۴۰۰۹۵۸۵
۴۰. دفتر تبلیغات اسلامی (مؤلفان): محمدهادی یعقوب نژاد و دیگران، ۱۳۹۴، فرهنگ نامه علوم قرآن، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ج ۱ و ۹